اسفندیار امینی
رییس کمیسیون‌های
حقوقی و آب و خاک اتاق اصناف کشاورزی ایران



گفت‌وگو با اسفندیار امینی رییس کمیسیون‌های حقوقی و آب و خاک اتاق اصناف کشاورزی ایران

پای وزارت نیرو فراتر از گلیم قانون

■ مصاحبه‌کننده: مریم حسنی سعدی



حقوق حقابه‌داران و بهره‌برداران از آب‌ها موضوعات غیرشفاف و نانوشته‌ای نیستند که هرکس از ظن خود با آن یار شود و سلیقه خود را بگنجاند، بلکه مواردی هستند که مستندات قانونی متعددی درباره آنها موجود است. این موضوعات از چنان اهمیتی برخوردار هستند که خوب است هر فردی آنها را بداند و در منابع مختلف آنها را جست‌وجو و استخراج نماید. برای یافتن قوانین در مورد حقوق مالکیت و بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی- به‌عنوان یک اصل استوار و خدشه‌ناپذیر- به‌سراغ اسفندیار امینی مشاور حقوقی و آب و خاک، رییس کمیسیون‌های حقوقی و آب و خاک اتاق اصناف کشاورزی ایران و مدیر اجرایی اتاق اصناف کشاورزی مرکز استان اصفهان رفتیم. وی یکی از منابع کارشناسی- حقوقی در زمینه حقوق آب زاینده‌رود است که پژوهش‌ها و تلاش‌های بسیاری را در راستای احقاق حقوق کشاورزان و احیای دوباره زاینده‌رود انجام داده‌است. امینی معتقد است که بازگشت آب به زاینده رود تنها احقاق حقوق بهره‌برداران زاینده رود نیست، بلکه نجات زیست بوم اصفهان است. در این شماره دنیای پسته شما را به خواندن این گفت‌وگوی جذاب دعوت می‌کنم.

؟ آقای امینی! برخی از مسئولان و کارشناسان مدعی هستند که قانون، حق مالکیت برای بهره‌برداران منابع آبی قائل نیست.

در کشور ما تا قبل از مشروطه که قوانین مدونی وضع نشده‌بود، همه چیز صرفاً بر اساس نظر شرع مبین یا دستور حُکام انجام می‌شده‌است. در جای‌جای کشورمان مثلاً یک طومار فتحعلی شاه داریم، یک جای دیگر شاه عباس یک حکم کرده‌است، در زاینده‌رود طومار شیخ بهایی را داریم. حتی در یک جاهای کوچک‌تر که چشمه و قنواتی وجوددارد، تقسیم نامه‌ها و اسناد عرفی در راستای حفظ حق مالکیت وجوددارد. این اسناد عرفی در سال ۱۳۴۷ در ماده (سه) از قانون آب و نحوه ملی شدن آن، تحت عنوان اسناد جزء جمع قدیم برای مالکان و حقابه‌بران، به رسمیت شناخته‌شد.در نظام جمهوری اسلامی نیز در سال ۱۳۶۱ که قانون توزیع عادلانه آب به تصویب رسید، در تبصره (یک) ماده ۱۸ این اسناد جزء جمع قدیم به رسمیت شناخته شده‌است. در تبصره (یک) آن حقابه‌ها را تعریف کرده و می‌گوید: «حقابه عبارت از حق مصرف آبی است که در دفاتر جزء جمع قدیم یا اسناد مالکیت یا حکم دادگاه یا مدارک قانونی دیگر قبل از تصویب این قانون برای ملک یا مالک آن تعیین شده‌باشد.» پس اینجا حق مالکیت حقابه‌بران و مالکان را به رسمیت شناخته‌است. در ماده ۱۹ نیز در راستای نظام‌مندکردن برداشت از منابع آبی مقرر شد که وزارت نیرو برای صاحبان حقابه‌ها پروانه مصرف معقول صادر کند.

باید گفت قوانین بسیاری از جمله مواد ۱۸، ۱۹، ۴۴ و ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب، ماده ۱۵۸ قانون مدنی، ماده ۲۷ قانون احکام دائمی توسعه کشور، ماده ۲۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، قانون تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در طرح‌های آبی کشور، قانون تبدیل ادارات کل امور آب به شرکت‌های سهامی آب استان‌ها، ماده ۶۳ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، ماده (یک) از آیین نامه اجرایی این قانون و ماده ۳۵ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور، ماده ۱۴۲ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی کشور و نقطه نظرات فقهای محترم شورای نگهبان در سال ۱۳۶۱ در ایرادات شرعی پیرامون حقابه‌ها به قانون توزیع عادلانه آب و بسیاری از استعلام‌های انجام شده از فقهای محترم شورای نگهبان، استفتائات از مراجع عظام تقلید معاصر و ماضی و به‌طور اخص در خصوص حقابه‌داران حوضه زاینده‌رود، قانون اجازه الحاق آب کوهرنگ به زاینده‌رود مصوبه ۷ فروردین ۱۳۹۱، تصویب‌نامه هیات وزیران به شماره ۴۳۲۲ مورخ ۵ خرداد ۱۳۳۳ پیرامون نحوه تخصیص و تقسیم آب زاینده‌رود، مصوباتی از جلسات دهم و سیزدهم و بیست و چهارم شورای عالی آب و صدور احکام قضایی متعددی در محاکم بر مالکیت حقابه‌داران بر حقابه‌های خود تأکیدشده‌است و به وزارت نیرو حق تضییع آن داده‌نشده‌است. در ماده ۲۱ از قانون توزیع عادلانه آب اجازه تخصیص آب به وزارت نیرو واگذار شد، اما بیان داشته که وزارت نیرو مجاز به تخصیص از «آب‌های عمومی» است و این اختیار را ندارد که کلیه آب‌ها را تخصیص دهد.

؟ آب‌هایی که وزارت نیرو مجاز به تخصیص آن است کدامند؟

در ماده ۲۴ از قانون توزیع عادلانه آب، قانون‌گذار آب‌هایی که وزارت نیرو می‌تواند تخصیص دهد را مشخص کرده‌است؛ طبق این ماده قانونی، وزارت نیرو می‌تواند برای آب‌های عمومی که بدون استفاده مانده باشد، آب‌هایی که بر اثر احداث تأسیسات آبیاری، سدسازی و زهکشی و غیره به‌دست‌آمده و می‌آید، آب‌های زائد بر مصرف که به دریاچه‌ها و دریاها و انهار می‌ریزند، آب‌های حاصل از فاضلاب‌ها، آب‌های زائد از سهمیه شهری، آب‌هایی که در مدت مندرج در پروانه به‌وسیله دارنده پروانه یا جانشین او به‌مصرف نرسیده‌است،

اسفندیار امینی:

بی‌شک در آینده نزدیک وضعیت زیست محیطی ما بسیار وحشتناک‌تر می‌شود.
طبیعت از کسی فرمان نمی‌گیرد، بلکه عصیان می‌کند، راه درست این است که مسیر طبیعت را باز کنیم. ما باید دخالت‌ها در طبیعت را کم کنیم.

آب‌هایی که پروانه استفاده از آن به علل قانونی لغو شده‌باشد و آب‌هایی که بر اثر زلزله یا سایر عوامل طبیعی در منطقه‌ای ظاهر می‌شود، اجازهٔ تخصیص صادر کند. البته در ماده ۶۳ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که به‌عنوان یک تبصره به ماده ۲۴ قانون توزیع عادلانه آب اضافه شد به وزارت نیرو اجازه داده‌شد که در قبال آبِ «تولیدی»، واگذاری و مجوز حق برداشت جدید صادر کند و حق اشتراک دریافت کند. برای این تبصره نیز آیین نامه اجرایی ماده ۶۳ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت تدوین شد که در بند (الف) آن حق برداشت جدید آب را این‌گونه تعریف کرده‌است: «مجوزی است که برای برداشت آب از «آب‌های استحصال شده» در اثر اجرای طرح‌های «تامین و انتقال آب» صادر می‌شود.» اما یک قید هم گذاشته و بیان داشته است که: «این آب‌ها قبلاً حقابه اشخاص دیگر نباشد و یا بر اساس مقررات مربوطه یا اسناد مالکیت یا احکام دادگاه‌ها متعلق به حق دیگری قرار نگرفته‌باشد.» پس در مواد مذکور، قانون‌گذار شفاف کرده‌است که برای چه آب‌هایی وزارت نیرو می‌تواند تخصیص جدید صادر کند، ولی به چه شرط؟ به شرط آن که حقابه دیگران نباشد. همچنین در راستای حفظ حقوق، در ماده ۲۰ «قانون الحاق برخی مواد قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)» به این موضوع اشاره کرده‌است که آب مازاد ناشی از صرفه‌جویی حقابه‌داران در بخش‌های مصرف و هزینه‌های انتقال آب توسط بخش غیردولتی را حسب مورد با قیمت توافقی یا با پرداخت یارانه براساس دستورالعمل مصوب شورای اقتصاد تضمین کنندرعایت حقوق متقدمین در بسیاری قوانین دیگر نیز دیده شده‌است؛ قانون‌گذار در بسیاری موارد حتی در سدسازی‌ها و طرح‌های آبی وزارت نیرو را ملزم به رعایت حقوق حقابه‌بران کرده‌است.

مثلاً در بند (ب) قانون تشویق سرمایه‌گذاری در طرح‌های آبی کشور مصوب ۱۳۸۱/۵/۶ آمده‌است که کلیه آب استحصالی به «جز حقابه‌های موجود» به سرمایه‌گذار تخصیص یافته و سند آب صادر می‌شود. «حقابه‌های موجود» قبل از احداث تأسیسات از نظر حجم و زمان مصرف تعیین و همچنان دراختیار وزارت نیرو باقی خواهدبود تا براساس قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و سایر قوانین مربوط «در اختیار حقابه‌داران» قرار گیرد. حتی در سال ۱۳۸۳ در «قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان و تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را در بر می‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط» در آخر بیان می‌دارد: «در هر حال حقابه‌های اشخاص باید محفوظ بماند.»

در قوانین برنامه‌های توسعه، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه و قانون اجازهٔ الحاق آب کوهرنگ به زاینده‌رود این رعایت حقوق متقدمین مشهود است.قابل ذکر است، وقتی داریم در مورد قانون صحبت می‌کنیم در واقع در مورد شرع صحبت می‌کنیم، چرا که ما یک شورای نگهبان داریم که شش نفر فقیه در این شورا هستند و وظیفه دارند قوانینی که در مجلس ما به تصویب می‌رسد را کنترل کنند تا با شرع مغایرت نداشته‌باشند.

در چند جای دیگر، قانون‌گذار به احترام به حقوق مالکین و حقابه‌بران اشاره کرده‌است و جالب است بدانید که فقهای شورای نگهبان در سال ۱۳۶۱ که قانون توزیع عادلانه آب در حال تصویب بود، به‌دلیل ایراداتی که به قانون مذکور وارد بود و باعث می‌شد که به حقوق حقابه‌بران خدشه‌ای وارد شود، سه نوبت این قانون را به مجلس برگرداندند. شرح این موضوع را می‌توانید در روزنامه دنیای اقتصاد با عنوان «مجادله بر سر حقابه» مطالعه کنید.

در ایرادات شورای نگهبان در بند ۷ و ۱۱ آمده: «طبق ماده ۷ و تبصره آن شرعاً فقط در موارد ضرورت و به‌طور موقت می‌توان مالک چاه را وادار به فروش مازاد بر مصرف خودش به قیمت عادله نمود، و در صورت ضرورت الزام او به فروش اعتبار، حق برای اشخاص حقیقی یا حقوقی شرعی نمی‌باشد.» و در بند ۱۱ از ایرادات فقهای شورای نگهبان در خصوص حقابه‌ها آمده است: «الف- تبدیل حقابه به پروانه، به این صورت که مورد پروانه قابل تملیک به غیر نباشد و اصل پروانه از سوی دولت قابل لغو شدن باشد با موازین شرعی منطبق نیست هرچند کماً و کیفاً با حقابه قبلی مطابق باشد. ب- تقلیل حقابه مشروع افراد و واگذاردن آن به دیگران جز در موارد ضرورت و به‌طور موقت شرعی نیست، باید مرتفع شود.»

باید بگویم که بنده یک مقاله هم با موضوع «حقابه‌ها انفال و یا مشترکات است، یا مالکیت خصوصی حقابه‌داران؟» نوشته‌ام و در آنجا این مسائل تشریح شده‌است و نظرات مراجع را نیز در آن آورده‌ام. از طرفی، در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۵ کشاورزان حوضه زاینده رود از مقام معظم رهبری استفتاء کردند که ایشان تأکید کردند که نباید تعرض به حقابه‌ها شود و باید قوانین و مقررات اجرا شود.

حتی در رأی دیوان عدالت اداری در خصوص مصوبات میزان تخصیص انتقال آب زاینده‌رود به یزد نیز عنوان شده که در صورتی که مصوبه‌های مورد شکایت موجب تضییع حقوق مردم از جمله حقابه و حق شرب گردد، خلاف شرع می‌باشد. ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب در راستای تضمین حقوق مالکیت بهره‌برداران منابع آبی راه‌های جبران خسارات را بیان داشته‌است.

پس در قوانین حقوق بهره‌برداران از منابع آبی محترم است و به رسمیت شناخته شده‌است. به‌نظر شما چرا وزارت نیرو بر خلاف این موضوعات حقوق بسیاری را با سدسازی و با صدور پروانه و برداشت در بالادست و... تضییع کرده‌است؟

در ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب بیان شده‌است: «اگر در اثر اجرای کارهای عمرانی و صنعتی و توسعه کشاورزی و سدسازی دولت و درصورتی‌که در اثر اجرای طرح‌های عمرانی، صنعتی و توسعه کشاورزی و سدسازی و تأسیسات مربوطه و یا در نتیجهٔ استفاده از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی در ناحیه یا منطقه‌ای قنوات و چاه‌ها و یا در اثر آن کار هر نوع تأسیسات بهره‌برداری از منابع آب متعلق به اشخاص تملک و یا خسارتی بر آن وارد شود و یا در اثر اجرای طرح‌های مذکور آب قنوات و چاه‌ها و رودخانه‌ها و چشمه‌های متعلق به اشخاص حقیقی و یا حقوقی و حقابه‌بران نقصان یافته و یا خشک شوند، وزارت نیرو باید جبران خسارت کند.»

البته قانون‌گذار اجازه عمدی و اختیار هم برای تضییع حق نداده‌است، یعنی نگفته که حقابه‌ها را بَردار و بعد جبران خسارت صورت گیرد. در ماده ۴۴، مسیرهای جبران خسارت بیان شده‌است. قانون‌گذار در این ماده ۶ مرتبه واژه مالک و مالکین و حقابه‌برها را آورده‌است؛ دو مرتبه نیز تکرار شده که در صورت اختلاف و عدم توافق طبق رأی دادگاه صالحه عمل خواهدشد. همچنین، ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب در راستای حفظ حقوق اشخاص بحث کیفری کرده‌است.

باید گفت در حال حاضر وزارت نیرو قبول دارد که تخلف کرده‌است. اما توجیهش این است که با افزایش جمعیت، نمایندگان مجلس فشار می‌آوردند و این باعث شد که به‌جای تأمین آب آمدند در یک مقطع زمانی، حدود ۲۰ تا ۳۰ سال پیش، بخشی از حقابه‌های کشاورزان و محیط زیست را برداشتند و بلافاصله به کشاورزها هم مجوز حفر چاه داده شد و کشاورزان هم متوجه نبودند که این مخزن زیرزمینی، اگر آب سطحی از محل حقابه‌هایشان نیاید، تغذیه نمی‌شوند و تمام می‌شوند. به همین سبب کشاورزان با تأخیر متوجه شدند که به حقابه‌هایشان تعرض شده‌است.

باید بگویم که یکی از اتفاقات بدی که افتاد این بود که قبلاً آب در طبیعت چند بار مصرفی بود، با این توضیح که هر مقدار آب که در بالادستِ مناطق حقابه‌برِ زاینده‌رود که به شیوه ثقلی آبیاری از طریق زه آب‌ها به مناطق پایین دست و نهایتاً به گاوخونی می‌رسید، چند مرتبه مصرف می‌شد. به‌همین دلیل وقتی‌که از سرچشمه پمپاژ می‌شود و به مناطق دیگر فرستاده می‌شود، در پایین دست معادل همان حجم کسری آب ندارید، بلکه به اندازه ۳ یا ۴ برابر اثر منفی می‌بینید؛ چون اصل آب برداشت شده‌است و به اضافه گردش چندباره آن را در مناطق پایین دست مشاهده می‌کنید. از کارهای دیگری که بر خشکی دشت‌ها اثر گذاشته طرح‌های آبخیزداری است. فلسفه آبخیزداری تثبیت خاک و تغذیه آبخوان‌ها به سه شیوه بیولوژیکی، بیومکانیکی و مکانیکی است. در کشور ما تا جایی که بنده تحقیق کرده‌ام، برای آبخیزداری زیاد وارد بحث بیولوژیکی و بیومکانیکی نشده‌اند. الان شما در بیشتر ارتفاعات می‌بینید پوشش گیاهی از بین رفته و خاکشویی زیادی داریم. ولی به‌جای ایجاد عملیات بیولوژیکی و بیومکانیکی که مانع از حرکت خاک از محل اولیه و استقرار آن شود، در مجاری آبی مسیل‌ها و آبراهه‌های منتهی به رودخانه‌ها و دریاچه‌ها سازه احداث کرده‌اند. این سازه‌ها نه اینکه هیچ اثری برای جلوگیری از حرکت خاک نداشتند، بلکه باعث شدند آب‌های حاصل از آبراهه‌های متعدد که در کل تاریخ به‌هم می‌پیوستند و دبی زیادتری پیدا می‌کردند تا به پایین دست حوضه‌های آبی برسند، به‌هم پیوند نمی‌خورند. مثلاً در حوضه زاینده‌رود قبلاً به ازای هر یک میلی‌متر بارندگی در سرشاخه‌ها، نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰ هزار مترمکعب آب وارد سد زاینده‌رود می‌شد، ولی الان کمتر از ۸۰۰ هزار مترمکعب داریم. تقریباً ۳۵ درصد اُفت آب آوری داریم. به‌عبارتی، نسبت بارندگی به روانآبی کم شده‌است و بخشی از دلایل این وضعیت، برداشت‌های بالادست است، ولی بخش اعظم آن به ایجاد موانع متعدد در آبراهه‌ها مربوط می‌شود. البته در پایین دست سد زاینده رود و بیشتر سدهای کشور نیز همین رویه اجرا شده و خسارات سنگینی به بار آورده‌است. متأسفانه این خلاف ماده ۲ و ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب است و این سازه‌ها جلوی روانآبی را گرفته‌اند و در مسیل‌ها و آبراهه‌ها طرح‌های آبخیزداری تماماً باعث این موضوع شده‌است.

آقای امینی! به‌نظر شما در چنین وضعیتی باید چکار کرد؟

قانون‌گذار در مواد ۲، ۴۴ و ۴۵ قانون توزیع

عادلانـه آب و سـایر قوانیـن صدرالذکر، نحوه جبران را پیش‌بینی کرده‌اسـت. دستگاه‌های نظارتی بایـد به این موضـوع ورود پیدا کنند. مطابـق اصـل ۱۵۶ قانـون اساسـی، نظـارت بـر حسـن اجـرای قانـون و احیـای حقـوق عامـه از وظایـف قـوه قضائیه اسـت. در قانون آییـن دادرسـی کیفـری، به‌ویـژه مـاده ۲۲، قانون تشکیل سـازمان بازرسـی کل کشور و دسـتورالعمل‌های احیای حقوق عامه و نحوه برخـورد با تـرک فعل مدیـران، ابلاغی رئیس قـوه قضائیه و نحـوه اجرای ایـن مأموریت‌ها، تبییـن شده‌اسـت. طبـق قانـون، دیـوان محاسـبات مجلس و خود نمایندگان مجلس نیـز در مقولـه نظارتی هسـتند که بایـد وارد این موضـوع شـوند. وزارتخانه‌هـای اطلاعات و کشـور نیـز وظایفی در خصـوص نظارت بر اجـرای قانـون دارند.

بایـد گفـت الان مشـکل اینجاسـت کـه دسـتگاه‌های نظارتـی بـه انـدازه نیـاز و اهمیـت موضـوع آب وارد مسـئله نشـده‌اند. تنهـا اقدامـی کـه صـورت می‌پذیـرد ارائـه طرح‌هـای جدید اسـت کـه تنهـا درآمدزایی بـرای عـده‌ای دارد. اصـولاً درحالی‌که تبعات و آثار مخرب سدسـازی‌ها بر کسـی پوشیده نیسـت، امـا هنـوز متوقف نشـده و ایـن کار ادامـه دارد. در حـال حاضر، توجیه‌شـان برای اجـرای طرح‌هـای سدسـازی و آبخیـزداری ایـن اسـت کـه بـرای جلوگیـری از سـیل باید سـد زده‌شـود. مـن در تمام نوشـته‌ها و سـخنرانی‌هایم گفتـه‌ام کـه در کل تاریخ که سـیل آمده چه اتفاقی افتاده است!؟ همیشه سـیل بوده و مردم همچنان زندگی کرده‌اند. وزارت نیـرو طـی سـال‌های متمادی مسـئول تخصیص آب‌های سطحی و آب‌های زیرزمینی در هـر حوضه‌ای بوده‌اسـت و عموماً حقابه‌های کشـاورزی و محیـط زیسـت را بـه بخش‌های مختلفِ توسعه اعم از توسعه کشاورزی، توسعه صنعتی و توسـعه شـهری تخصیـص داده و با ایـن اقدامـات همه حوضه‌هـای آبی کشـور را دچـار چالش کرده‌اسـت.

آقـای امینـی! الان بـا حقـوق جدیدی روبه‌رو هسـتیم کـه وزارت نیرو آنهـا را از طریق تضییع پنهان حقوق بهره‌بـرداران متقدم و سـلب حقابه‌های محیط زیست ایجـاد کرده‌اسـت. درحال‌حاضـر آنها نیز خـود را صاحب حـق می‌دانند. بـرای این چالـش چه بایـد کرد؟

در واقـع بایـد بگویـم برگردانـدن حقابه‌ها را صرفـاً بازگردانـدن حقـوق یک عـده محدود نمی‌بینـم. از نظـر حقوق عمومـی و طبیعت بـه ایـن موضـوع نـگاه می‌کنـم. اگـر ایـن موضوع درسـت نشـود ما سقوط اکوسیستم را شـاهد خواهیـم بود.

قانـون ایـن مشـکل را حـل کرده‌اسـت؛ در مـاده ۶ از آییـن نامـه اجرایی مـاده ۶۳ قانون تنظیم بخشـی از مقررات مالی دولت، تأکید شـده که اگـر وزارت نیر آبی تخصیـص داده کـه امـکان تأمیـن آن را ندارد باید خسـارت سـرمایه‌گذاری ایشـان را پرداخـت کنـد و تخصیـص را لغـو نمایـد. البتـه در قوانیـن صدرالذکر نیز به این مسـئله اشاره شده‌است.

در مـورد حقابه‌هـا، ظاهـرش این اسـت که ایـن حقابه‌ها مال کشـاورز اسـت، امـا وقتی کـه این آب جریان دارد آثار زیسـت محیطی اجتماعی، بهداشـتی، اقتصـادی و روانی برای آن مناطـق و حوضه‌هـا دارد و اینهـا جـزو حقوق عمومی محسـوب می‌شـود. بنابراین، آن کـس کـه تخصیـص جدیـد گرفتـه بـه تنهایـی یـک حـق دارد و از طرفی یک نظم زیسـت محیطی را در جایی دیگـر به‌هم زده کـه حق عمومی اسـت. ما اینجا مشـکل‌مان ایـن نیسـت که حقابـه کشـاورزان را بدهیم، بلکه در صورت عدم بازگشـت آب در مسـیر اولیـه خود اکوسیسـتم آسـیب می‌بیند.

الان زاینده رود خشـک است و فقط کشاورزان نیستند که آسیب می‌بینند. بالاخره کشاورزان شـاید بـه اجبـار بروند جـای دیگر شـغل پیدا کننـد. امـا الان فرو نشسـت، ریزگرد سـمی و مسـائل اجتماعی و اقتصادی و امنیتـی داریم. پـس مـا بایـد حقابه‌هـا را بـه مسـیر درسـت برگردانیـم تـا آن ایـرادی که بـه سـاختار وارد کرده‌ایـم تـا حـدودی جلویـش گرفتـه شـود. بایـد پرسـید ایـن فرونشسـتی را کـه ایجاد کرده‌ایـم چطـور می‌خواهیـم جلـوی آن را بگیریـم؟! آیا بـا پرداخـت خسـارت می‌توانیم جلـوی فـرو نشسـت و یـا جلـوی ریزگردهـا را بگیریم و آیا می‌توان آثار روانی خشکی زاینده‌رود را بـا دادن خسـارت جبـران کرد؟

بی‌شـک در آینـده نزدیـک وضعیـت زیسـت محیطی ما بسیار وحشتناک‌تر می‌شود طبیعت از کسـی فرمان نمی‌گیرد، بلکه عصیان می‌کند، راه درسـت ایـن اسـت که مسـیر طبیعـت را باز کنیم. ما باید دخالت‌هـا در طبیعت را کم کنیم.

بـه نظر شـما وظیفـه بهره‌بـرداران از منابـع آب که در این شـرایط قـرار دارند چیست ؟

مـا حقـوق اجتماعـی داریـم و مـردم بایـد مطالبه‌گری کنند، مردم به نمایندگان مراجعه کننـد. سـمن‌ها هم بایـد مطالبه‌گـری کنند. ظرفیت‌هـای زیـادی دیـده شده‌اسـت؛ مثـلاً برخی سـازه‌های تاریخی ثبت جهانی شـده‌اند و حفاظـت از آنها در زمره حقوق بین‌الملل قرار می‌گیـرد کـه می‌تـوان از ایـن طریق پیگیری کـرد. در واقـع همه مردم باید مشـارکت کنند. اگـر دولـت توان حـل ندارد با سـاز و کار قانونی می‌تـوان از مـردم کمـک گرفـت. اینکـه مردم فکـر کننـد کـه دولـت می‌توانـد این مسـئله را حـل کنـد، مـن چنین نظـری نـدارم. البته مقدمـه ورود مـردم به این قضیه قوانین اسـت.